

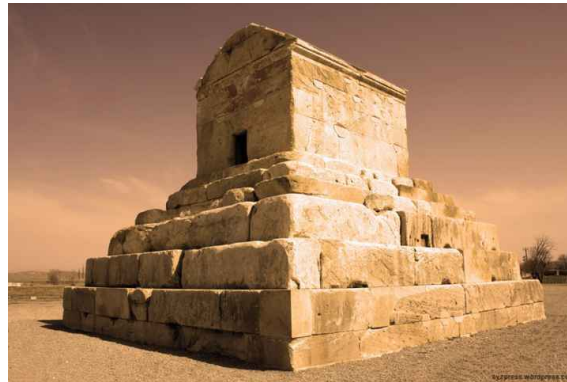


کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

کوروش بزرگ بت پرست یا یکتا پرست؟؟؟

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ - ۲۲ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

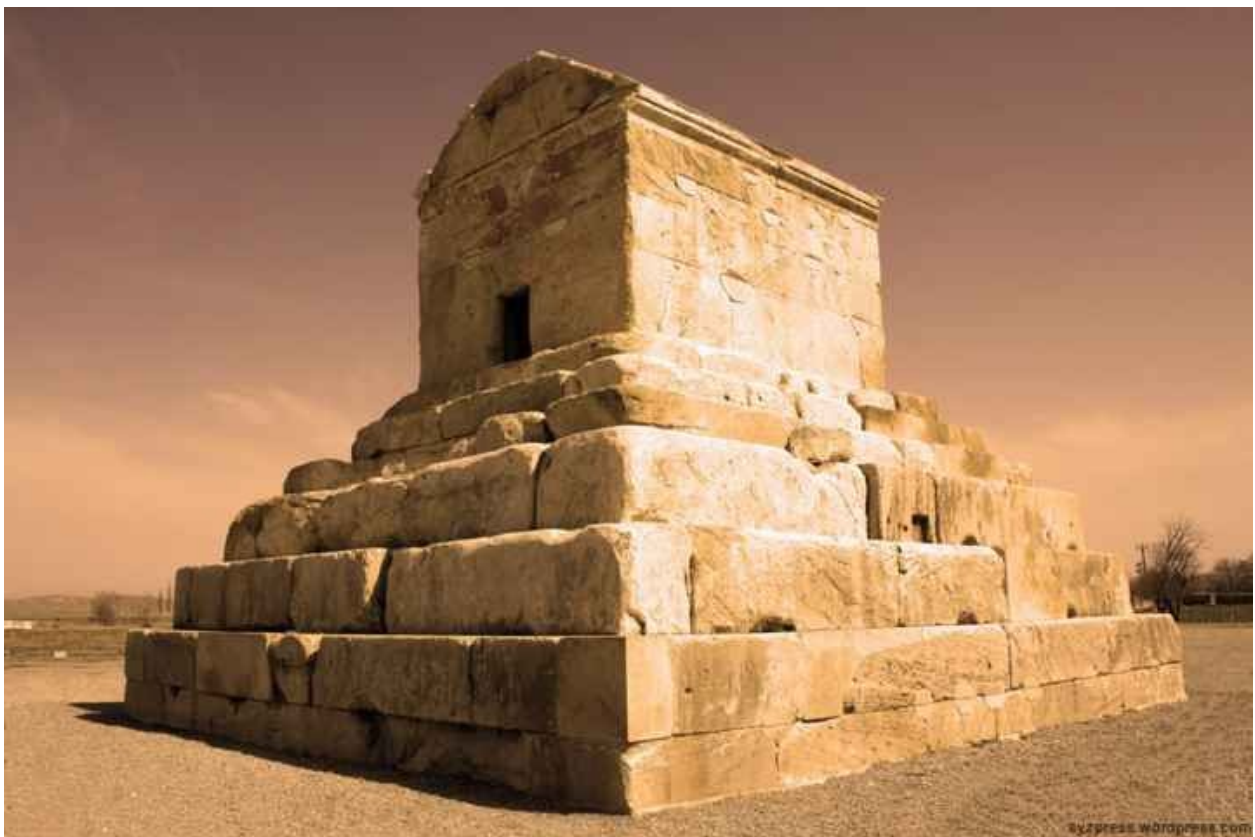
کوروش بزرگ در منشور خود از ستایش مردوک خدای بابلیان سخن میگوید. و از این رو افرادی که اکثراً به دنبال حقیقت نیستند کوروش را بت پرست خطاب میکنند. اما این افراد گویا توانایی درک مسایل پیچیده تر فرای موضوعات و اصطلاحات سطحی را ندارند. در این مقاله کوششی میکنیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که آیا بر طبق منشور کوروش او بت پرست است یا حقیقت چیز دیگری است؟! دین کوروش بزرگ چه بود؟ نویسنده:مجید خالقیان برگرفته از تارنمای خردگان بررسی یک پندار غلط (کوروش و مردوک) یکی از مواردی که همواره مورد بحث پژوهشگران قرار

پارسیان دژ / کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

کوروش بزرگ در منشور خود از ستایش مردوک خدای بابلیان سخن میگوید. و از این رو افرادی که اکثرا به دنبال حقیقت نیستند کوروش را بت پرست خطاب میکنند. اما این افراد گویا توانایی درک مسایل پیچیده تر فرای موضوعات و اصطلاحات سطحی را ندارند.

در این مقاله کوششی میکنیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که آیا بر طبق منشور کوروش او بت پرست است یا حقیقت چیز دیگری است؟!

دین کوروش بزرگ چه بود؟



نویسنده: مجید خالقیان

برگرفته از تارنمای خردگان

بررسی یک پندار غلط (کوروش و مردوک)

یکی از مواردی که همواره مورد بحث پژوهشگران قرار گرفته، دین **کوروش** بوده است. درباره اینکه **کوروش** چه دینی

داشته است، اختلاف نظر وجود دارد ولی احتمالاً **کوروش** یکی از آیین‌های ایرانی را داشته و پرستنده **اهورامزدا** بوده است؛ هر چند نظریات و فرضیه‌های دیگری هم در این باره مطرح می‌شود. اما این روزها می‌بینیم که عده‌ای قصد سوء استفاده از این موضوع را دارند و با سطحی نگری بیان می‌کنند که **کوروش** بت پرست بوده است!! در این نوشتار برآنیم تا اشاراتی به منابع داشته باشیم و نظر چند تن از تاریخ‌دانان را در مورد **دین کوروش** بیان کنیم.

در ابتدای بحث بد نیست به تحلیل سومند حسن پیرنیا درباره **دین هخامنشیان** اشاره کنیم که به صورت مختصر و مفید توضیح خوبی درباره آیین **هخامنشیان** داده است. او در کتاب **تاریخ ایران باستان** می‌نویسد:

شاهان هخامنشی تعصب مذهبی نداشتند. یعنی هر ملتی را به معتقدات خود وا می‌گذاشتند... مورخین یونانی در باب مذاهب ایرانیان نه دقیق شده و نه به شرح پرداخته اند. آنچه راجع به این مطلب استنباط می‌شود، کلیاتی است که از اوستا و کتیبه‌ها و آثار شاهان هخامنشی به دست آمده است. بر اساس این مدارک چنین به نظر می‌رسد که شاهان هخامنشی پیروان مذهب زرتشتی بوده اند (پیرنیا، ۱۳۸۸: ص ۱۳۴).

می‌دانیم که در کتیبه‌های **پادشاهان هخامنشی** بعد از **کوروش بزرگ** از جمله **داریوش بزرگ** که خویشاوند **کوروش** بوده است، **اهورامزدا** گرامی داشته شده و به عنوان خدای بزرگ که آسمان و زمین را آفریده مطرح می‌شود.

مطابق با گزارش گزنفون، **کوروش** از دینمردان که «مغان» نام داشتند، بهره می‌برد و آنها را برای اعمال دینی فرا می‌خواند (نک: **کوروش** نامه گزنفون، دفتر ۴، بخش ۵، بند ۱۴)، بسیاری از پژوهشگران با توجه به این مطلب و همچنین دیگر آثار، **دین کوروش** را با سنت مزدایی در پیوند می‌دانند.

مری بویس می‌نویسد که **کوروش** همانند نیاکانش **زرتشتی** بوده است و از موارد مهم مورد توجه او، می‌توان به آتشکده‌های **پاسارگاد** اشاره کرد که یادآور آیین **زرتشتی** هستند و همچنین برخی از منابع یونانی که ارزش قابل توجهی برای مغان در **دربار کوروش** قائل شده‌اند (Dandamayev, 2011، نک: Boyce, 1988).

مولانا ابوالکلام آزاد که دیدگاه وی درباره **ذوالقرنین** (ع) و **کوروش** مورد توجه اهالی تحقیق قرار گرفت و امروز **کوروش** به عنوان محتمل‌ترین گزینه برای **ذوالقرنین** مطرح است، **دین کوروش** را مرتبط با آیین زرتشتی می‌دانست و معتقد بود که **کوروش** پیرو دینی بود که زردشت پیغمبر معروف ایران بنا نهاد (نک: **دین کوروش** از نظر **مولانا ابوالکلام آزاد**).

ماکس مالوان در مقاله خود که در **تاریخ ایران** کمبریج به چاپ رسیده است، گرچه از فقدان مدارک درباره **دین زرتشتی کوروش** سخن می‌راند اما نقاط مشترک بین رفتار **کوروش** با آموزه‌های زرتشت و اصول **دین زرتشتی** را در نظر دارد و احتمال می‌دهد از **دین زرتشتی** تأثیر پذیرفته باشد (مالوان، ۱۳۸۷: ص ۴۹۴).

تورج دریایی هم با آنکه اشاره می‌کند از عقاید مذهبی شخصی **کوروش** آگاهی اندکی داریم، اما معتقد است که شواهد آشکارا نشان دهنده آداب ایرانی وی می‌باشند. وی با توجه به منابعی مانند کتاب **عزرا** و متون بابلی که درباره **کوروش** سخن گفته‌اند و همچنین با استناد به پژوهش‌های پیشین، این چنین می‌آورد:

مضمون «درست کردن هر آنچه که خراب شده بود» دیدگاهی است که با اهوره‌مزدا ارتباط دارد. اهوره‌مزدا یا خدای خردمند، نماینده نظم در جهان هستی است، در حالی که انگره مینو نماینده بی‌نظمی/دروغ است. اگر این متن‌ها را در چارچوب ایدئولوژی ایرانی بخوانیم به نگرش ایرانی/مزدایی روشنی از پادشاه دست می‌یابیم که به عنوان نماینده اهوره‌مزدا، نظم (در اوستا: اشه، و در فارسی باستان: آرته) را به زمین باز می‌گرداند (دریایی، ۱۳۹۳: ص ۲۳).

این درحالی است که آثار به جا مانده از پاسارگاد که آرامگاه **کوروش** در آنجا قرار دارد، سنت‌های ایرانی را نشان می‌دهد، از جمله چند آتشکده سنگی، بازمانده‌های نقش گل نیلوفر در ورودی آرامگاه **کوروش** که با میترا پیوند دارد و... (همان: ص ۲۵) این موارد به ما نشان می‌دهد که احتمالاً اگر کوروش دین زرتشتی هم نداشته حداقل پیروی یک آیین ایرانی - شاید از آیین‌های ایرانی پیش از زرتشت - بوده است.

البته نباید فراموش کنیم که آیین زرتشتی در دوران ساسانی دست تحولاتی شد و در ارزیابی آیین کوروش بزرگ، باید متوجه باشیم که معیار ما برای سنجش دین کوروش، آیین زرتشتی ساسانی نیست. به نظر می‌رسد نوآوری‌ها و تحریف‌هایی در دوران ساسانی رخ داد و به این دلیل است که برخی از احکام زرتشتی ساسانی را در دوران اشکانی و هخامنشی مشاهده نمی‌کنیم یا مواردی بر خلاف آنها را در ایران پیش از ساسانیان می‌بینیم.

برای دانش بیشتر درباره تحولات آیین زرتشتی نگاه کنید به: **نگاهی کوتاه به تحولات آیین زرتشتی**

کوروش، مردوک، آیین‌های ایرانی

اما برخی ادعا می‌کنند که **دین کوروش** با **مردوک** (خدای بابلی) در ارتباط بوده است. این موضوع می‌تواند به عنوان یک فرضیه (هرچند سست) باقی بماند اما رفتار افرادی که اکثراً رویکرد ایران‌ستیزانه دارند جالب توجه می‌نماید! آنها **کوروش را بت پرست** می‌خوانند و موارد نادرستی را به او نسبت می‌دهند. به نظر می‌رسد ارتباط آنچنانی بین **هخامنشیان** و ایرانیان با مردوک وجود نداشته است و آثار بسیار فراوانی نشان می‌دهد که کوروش پیوند تنگاتنگی با آیین‌های ایرانی داشته است.

درباره ارتباط آیین **کوروش بزرگ** با مردوک معمولاً به استوانه **کوروش** استناد می‌شود که در آن مردوک مورد ستایش قرار گرفته است. همان استوانه‌ای که با سنت‌های بابلی نوشته شده است.

در اینجا چندین و چند بحث وجود دارد، اول اینکه آیا شایسته است که دین و آیین بابلی را با آداب و رسوم اقوامی مانند عرب‌های عصر جاهلی مقایسه نمود و همه را به یک چشم دید؟!

در مرحله بعد باید به سنت‌های بابلی توجه ویژه داشت. در زبان بابلیان کلمه ای که ما اکنون خدا می‌نامیم، **مردوک** بوده است و این موضوع طبیعی است که از **مردوک** به عنوان خدا در استوانه‌ای که با سنت بابلی و توسط بابلیان نگاشته شده است، یاد شود. این بدان معنا نیست که مثلاً کاهنان بابلی بدون اطلاع کوروش بزرگ این استوانه را

نوشته باشند بلکه نشان دهنده تسامح کوروش نسبت به سنت‌های بابلی است و نه اینکه کوروش پرستنده مردوک بوده است؛ سنت‌های بابلی را هم نباید با رفتار و باورهای عرب‌های دوران جاهلی یکی دانست (فرضیاتی وجود دارند که نگارش استوانه کوروش را توسط کاهنان بابلی و در بزرگداشت کوروش می‌دانند).

آنچیزی که به نظر می‌آید این است که پرستش مردوک در ایران جایگاهی نداشته است؛ آیا اگر کوروش مردوک را می‌پرستید نباید اثر قابل توجه و فراگیری از آن در فرزندان، خویشان و مردم آن دوره باقی مانده باشد؟

ولی به هر حال پرستش مردوک و آداب و آیین بابلی در بابل تداوم یافت چرا که عقاید ریشه دار دینی مردمان بین النهرین مانع از آن بود که کوروش بزرگ بتواند اصلاحات را به گونه ای پیش ببرد که دلخواهش باشد (خنجی: ص ۲۳۸). مردم بابل درگیر عقاید و احکام شرعی خود بودند و نمی‌توان انتظار داشت کوروش به یکباره و در حین نخستین ورود به بابل خلاف عقاید آنها عمل کند و مثلاً به خدای مردوک که قطعاً نهایت احترام و علاقه در بین مردم بابل به آن وجود داشت بی احترامی و بی توجهی کند. حال آنکه تغییر برخی رسوم معمول در بین این مردم هم نیاز به گذشت زمان و مقدمه چینی داشت.

نکته دیگر اینکه رفتارهای مشابه و احترام به سایر ادیان توسط کوروش وجود دارد. برای مثال رفتار **کوروش بزرگ** با قوم یهود در تاریخ مشهور است. کوروش بزرگ بعد از فتح بابل اجازه بازگشت یهودیان به اورشلیم را داد و حتی افرادی مسئول رسیدگی به اوضاع یهودیان شدند.

اینگونه رفتار در نزد سایر **پادشاهان** هخامنشی که حتی آشکارا اهورامزدا را می‌پرستیدند، دیده می‌شود و در ادامه چند مورد را ذکر می‌کنیم.

رفتار کمبوجیه و گشایش مصر:

جانشین کوروش بزرگ یعنی کمبوجیه هم پس از فتح مصر همچون پدرش عمل کرد. او به سپاهیانش دستور داد تا شهر را غارت نکنند و از آثار به جا مانده مشخص است که کمبوجیه به عقاید مصری ها احترام گذاشت. برای مثال کتیبه ای به خط هیروگلیف بر روی مجسمه بدون سر متعلق به پسر کاهن بزرگ حک شده است که حاوی این مطالب است:

هنگامی که کمبوجیه، شاه بزرگ و شاه تمام کشورها به مصر آمد، با او مردان بسیاری از کشورهای مختلف بودند. او در این کشور به تمام پادشاهی یافت.. سپس پادشاه به معبد سائیس رفت و در برابر الهه نیت به خاک افتاد... او مرا پزشک بزرگ نامید و من به دستور پادشاه، زمین‌های خوب به کاهنان دادم، کودکان را غذا دارم، کارهای سودمند برای تنگدستان و یتیمان انجام دادم و به فرمان شاه، همه را از گرفتاری‌های بزرگ رهانیدم (محمداپناه، ۱۳۸۴).

محتوایات این کتیبه یادآور استوانه کوروش می‌باشد و شباهت آشکاری به آن دارد. تصور اینکه در یک نسل بعد از کوروش به یکباره پادشاه بعدی، آیین‌های مصری را بپذیرد سخت می‌آید. بنابراین کاملاً منطقی است که این موضوع یک رفتار جاافتاده در خاندان هخامنشی بوده است و تداوم آن در روزگار بعدی این موضوع را روشن تر می‌سازد.

رفتار داریوش بزرگ نسبت به پیروان سایر مذاهب:

آنچه که درباره زمان داریوش مهم می‌نماید این است که کتیبه‌هایی به زبان مادری هخامنشیان نگارش یافت و ما بیشتر با آیین بومی آنها آشنا می‌شویم. در کتیبه‌های پارسی باستان داریوش، آشکارا اهورامزدا ستایش شده و خدای بزرگ دانسته شده است.

اما با این حال سیاست احترام به ادیان گوناگون همچنان تداوم یافت، به طوری که باز هم رفتار داریوش یادآور رفتار کوروش و کمبوجیه است. در زمان داریوش باز هم گروه دیگری از یهودیان به بازسازی معابد خود پرداختند و این نشان از احترام داریوش به آیین آنها دارد (بادامچی، ۱۳۹۱: ص ۲۰). در آثار به جا مانده از مصر هم احترام به عقاید بومی به چشم می‌خورد.

احترام داریوش به ادیان بومی مصر در کتیبه‌های به جا مانده از وی در مصر آشکار است. در پشت لوح مشهور داریوش در آن دیار، یک کتیبه مصری وجود دارد و بالای این کتیبه نقش خدای رع (قرص خورشید بالدار) و نقش خدایان هپی در حال انجام مراسم آیین گره زدن گل‌های لوتوس و پاپیروس دیده می‌شود. جالب آنکه داریوش در آثار مصری **فرعون** خوانده می‌شود و نام وی در کتیبه‌های مصری **آنتریوش** ثبت شده است (محمدپناه، ۱۳۸۴: ص ۹۰).

این رفتار داریوش در مصر کاملاً یادآور رفتار کوروش در بابل است اما آشکار است که داریوش بزرگ اهورامزدا را می‌پرستیده است و حتی در کتیبه‌هایی که به پارسی باستان در مصر به دست آمده، اهورامزدا ستایش شده است.

تندیس داریوش بزرگ با سبک و سیاق هنر مصری – مشاهده تصویر اصلی

تندیس داریوش بزرگ با سبک و سیاق هنر مصری

بت پرستی و آیین ایرانیان

به طور کلی بت پرستی عرب جاهلی، هیچگاه در ایران رواج نداشته است و بسیاری از عالمان دینی هم اشاره می‌کنند که ایرانیان هیچگاه بت پرست نبوده اند. برای مثال آیت الله جوادی آملی می‌گوید:

از شیخ اشراق نقل کرده‌اند که ما حکیم غیرموحد و غیرالهی در ایران نداشتیم، این شیخ اشراق از سهرورد است، یکی از روستاهای دورافتاده ایران، شما کمتر محل و شهری پیدا می‌کنید که مفاخر نداشته باشد، از

دهی مانند سهرود این بزرگان برخاسته‌اند، توده مردم مشرک نبودند، بت‌پرست و ملحد در ایران نداشتیم. آیه ۱۷ سوره حج، مجوس را در برابر مشرکان قرار داد، گروهی در آن زمان به نام ثنوی پیدا شدند که حرف دیگری است (جماران، ۱۳۹۱).

همچنین آیین و آداب بابلی هم در ایران جایگاهی نداشت که مردوک و تندیس مربوط به آن مورد ستایش ایرانیان قرار بگیرد. با وجود این شرایط که قبل از کوروش و بعد از کوروش ستایش مردوک در ایران جایگاهی نداشته است، بعید به نظر می‌رسد که به یکباره کوروش پرستشگر مردوک شده باشد. این در حالی است که شواهدی از مزداپرستی کوروش در دست است که بسیار معقول تر به نظر می‌رسد.

این موضوع که **کوروش** مورد ستایش بابلیان و یهودیان قرار گرفته است و هر کدام ادیان متفاوتی داشتند، نشان می‌دهد که **کوروش** مطابق سنت‌های ایرانی نوعی بردباری نسبت به ادیان گوناگون داشت، برای همین اینچنین در متون بابلی و یهودی مورد ستایش قرار گرفته است.

می‌دانیم که علاوه بر منابع بابلی، **کوروش** در آثار یهودیان بسیار ستایش شده و حتی یک منجی از طرف خداوند دانسته شده است، پس آیا صرفاً با توجه به این متون **کوروش** را باید یهودی بدانیم؟!

البته در بحث دین کوروش با توجه به عقاید خاص یهودیان، منابع آنها اهمیت خاصی پیدا می‌کند. یهودیان به عنوان یکتاپرستانی معتقد مطرح هستند و ستایش **کوروش** در منابع آنها، قابل توجه است چرا که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با توجه به متون یهودی می‌نویسد:

یهود با آن تعصبی که به مذهب خود دارد هرگز یک مرد مشرک را مسیح پروردگار و هدایت شده او و مؤید به تأیید او و راعی رب نمی‌خواند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ص ۶۶۰).

این موارد نشان دهنده یکتاپرستی کوروش می‌باشند که البته کوروش با توجه به آیین‌های ایرانی نوعی تسامح نسبت به سایر ادیان را داشته است.

پاسارگاد و نحوه دفن کوروش

بسیاری به نحوه قرار گرفتن پیکر کوروش در آرامگاهش ایراد می‌گیرند و مدعی می‌شوند که برخلاف عقاید زرتشتیان است. هرچند درباره نحوه قرار گیری پیکر کوروش در آرامگاهش چند فرضیه مطرح شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم ولی پیش از هرچیز باید چارچوب خود را از عقاید زرتشتیان تعریف کنیم. آیا وجود منابع فقهی زرتشتی که امروز در دست داریم، کافی است تا از احکام زرتشتیان عصر هخامنشی و کوروش به صورت کامل و دقیق آشنایی پیدا کنیم؟! پیش از این هم اشاره شد که در ارزیابی آیین کوروش بزرگ، باید متوجه باشیم که معیار ما برای سنجش

دین کوروش، آیین زرتشتی ساسانی نیست. با توجه به منابع گوناگون از جمله کتیبه‌های هخامنشی، منابع یونانی و آثار به جا مانده از ایران باستان، می‌توان گفت بسیاری از ایرانیان مزداپرست بوده اند و خود را پیروی زرتشت، پیامبر باستانی ایرانی می‌دانستند. ولی به مرور تحولاتی در آیین زرتشت رخ داد و سنت های دینی گوناگونی در میان ایرانیان شکل گرفت. اما در دوران ساسانی تحولات بزرگی در آیین زرتشتی رخ داد که به زرتشتی ساسانی مشهور است.

برای دانش بیشتر درباره تحولات آیین زرتشتی نگاه کنید به: [نگاهی کوتاه به تحولات آیین زرتشتی](#)

این موارد ذکر شد تا تأکید شود که اگر پیکر شخصی در زمان هخامنشی دفن شده و در دخمه قرار نگرفته است، لزوماً دلیلی بر غیر زرتشتی بودن او نیست، چرا که احتمال دارد احکام آن عصر زرتشیان و اقوام گوناگون ایرانی متفاوت بوده باشد. می‌دانیم بسیاری از [پادشاهان](#) هخامنشی دفن شده اند و از آنها کتیبه به جا مانده است که خود را پرستشگر اهورامزدا معرفی می‌کنند؛ اتفاقاً آنها از خویشاوندان کوروش بزرگ هستند.

درباره تشریفات مردگان در آداب و رسوم ایرانیان دوره هخامنشی با سنت‌های متفاوتی در منابع برخورد می‌کنیم. در تاریخ هرودوت صرفاً درباره تشریفات مغ‌ها با اطمینان می‌گوید که کالبد مرده توسط پرنده‌گان یا سگ‌ها دریده می‌شدند (تاریخ هرودوت، کتاب ۱، بند ۱۴۰) اما هرودوت مغ‌ها را فقط یکی از قبایل [مادی](#) می‌داند (همان: کتاب ۱، بند ۱۰۱). از طرفی می‌دانیم که [پادشاهان](#) هخامنشی هم دفن شده اند و احتمالاً تشریفات [پارس‌ها](#) و [مادها](#) تفاوت‌هایی داشته است.

هنگامی که این موارد را کنار هم بگذاریم به نظر می‌رسد، رسم دخمه در ابتدا یک رسم محلی در میان یکی از قبایل [مادها](#) (مغان) و شاید برخی دیگر از اقوام ایرانی بوده است. بعدها (شاید پس از چند قرن) احتمالاً وقتی که این طیف قدرت بیشتری گرفتند، به دنبال فراگیر کردن آن بودند.

آنچه در منابع درباره تشریفات پیکر بی‌جان کوروش گفته می‌شود جالب توجه است چرا که مستقیم به حضور زرتشت (احتمالاً منظور مغ یا روحانی زرتشتی است) اشاره دارد. نکته مهم دیگر تشریفات و مراسم مذهبی مخصوص است.

با توجه به مواردی که در سیاحت‌نامه فیثاغورث آمده است، کوروش ابتدا در اکباتان و در خاک دفن شده بود، سپس برای گرمی‌داشت وی، پیکرش را در تابوت گذاشتند و به [پاسارگاد](#) آوردند. در نهایت تابوت کوروش با تشریفات مغان در بنایی از آثار کمبوجیه قرار گرفته است! در این گفته به وصیت‌نامه مشهور کوروش هم اشاره می‌شود که گزنفون آن را نقل کرده و در آن کوروش وصیت کرده است که پیکرش را به خاک بسپزند (کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲۵)، با توجه به نوشته سیاحت‌نامه فیثاغورث در حقیقت وصیت کوروش در ابتدا انجام شده و او را در خاک اکباتان دفن کرده اند و بعدها او را به پاسارگاد برده اند (نگاه کنید به: [خاکسپاری کوروش بزرگ به روایت فیثاغورث](#)).

در اصالت این گفته، شک و تردید وجود دارد و احتمالاً تاریخ نوشتن سیاحت‌نامه فیثاغورث بعد از [حمله اسکندر](#) به

ایران است، بنابراین در پذیرش تاریخی آن باید محتاطانه عمل کرد.

به هر حال درباره محل قرار گیری پیکر کوروش در آرامگاهش چند دیدگاه گفته شده که هیچ کدام لزوماً نمی‌توانند مخالف آیین زرتشتی و مزداپرستی او باشند، چرا که احتمالاً سنت‌های گوناگونی برای خاکسپاری ایرانیان مزداپرست وجود داشته است. کوروش ممکن است یا با توجه به سنت **پارس**‌ها در آرامگاهش قرار گرفته باشد و یا با توجه به سنت مغان که بخشی از مادها بودند؛ می‌دانیم که پدر کوروش **پارس** و مادرش **ماد** بوده است.

در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم و به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم.

پیکر در تابوت و بالای آرامگاه:

یک نظر می‌گوید که پیکر کوروش در بخش بالای آرامگاه و در تابوتی قرار داشته است. لوازمی از کوروش هم در کنار تابوت او گذاشته بودند که پس از **حمله اسکندر** توسط اشخاصی ناشناس به تاراج رفته است. در این شیوه، عدم تماس پیکر با خاک را مشاهده می‌کنیم که یادآور همان سنت مغان است.

وجود تابوت در قسمت بالای آرامگاه کوروش، در منابع مرتبط با **اسکندر** نقل شده است. اریستوبولوس، یکی از همراهان **اسکندر** درباره آرامگاه کوروش مواردی را نقل کرده و توسط آریان در کتاب **آناباسیس** ثبت شده است. در این منبع اشاره می‌شود که بخش‌های پایینی آرامگاه را سنگ‌هایی به شکل مربع تشکیل می‌دادند و در بالای آرامگاه محفظه‌ای قرار داشته است. **در داخل آن محفظه، تابوتی طلایی بوده است که پیکر کوروش در آن قرار داشته است** و یک نیمکت با پایه‌هایی طلایی در کنار تابوت گذاشته بودند. موارد دیگر مانند یک شنل آستین‌دار، لباس‌های گوناگون و همچنین یک میز در محفظه وجود داشتند. نکته‌ای که جالب است وجود یک محل برای روحانیان در فضای آرامگاه کوروش بوده است که از آرامگاه نگهداری می‌کردند (Arrian, 29.1-11).

اگر بپذیریم از ابتدا کوروش به این ترتیب در این بنا قرار داشته، به نظر می‌رسد کوروش با توجه به تشریفات مغان در آرامگاهش قرار گرفته است. همان تشریفات که بعدها در متون فقهی زرتشتیان هم وارد شد.

پیکر در بدنه آرامگاه:

نظر دیگر می‌گوید که پیکر در بدنه آرامگاه قرار گرفته است که باز هم یادآور سنت عدم تماس پیکر با خاک می‌باشد. همانگونه که از شکل آرامگاه آشکار است، آرامگاه به وسیله پلکانی سنگی از سطح زمین جدا شده است.

دفن پیکر در خاک:

یافته‌های فراوانی وجود دارد که ایرانیان در عصر هخامنشی مردگان خود را دفن می‌کرده‌اند. دفن مردگان برخی را

واداشته است که آیین هخامنشیان را خلاف آیین زرتشتی بدانند! اما اشاره‌های زیادی در سنگ نبشته‌های هخامنشی و همچنین منابع یونانی نشان می‌دهد که آیین زرتشت جایگاه قابل توجهی داشته و پادشاهان گرایش آشکاری به آن داشته اند.

پیش از این اشاره شد که احتمالاً رسم دخمه در ابتدا یک رسم محلی در میان یکی از قبایل مادها (مغان) بوده است و بعدها (شاید پس از چند قرن) به دنبال فراگیر کردن آن بودند. البته هیچ بعید نیست کوروش که مادرش یک مادی بوده است، با توجه به این رسم در آرامگاهش قرار گرفته باشد که در گفته مورخان یونانی همزمان اسکندر که از آرامگاه کوروش دیدن کرده اند، چنین تشریفاتی به نظر می‌آید.

با این حال از زمان هخامنشیان گورهای زیادی از سراسر کشور به دست آمده که همه گواه دفن مردگان است. در بخش‌های زیادی از شاهنشاهی ایران معمول بود که مردگان را کف خانه دفن کنند. این رسم در بین النهرین، در سوریه و در فلسطین هم جاری بود. کف گلین این خانه ها را، در حاشیه دیوارها می‌کنند و مرده را در آن قرار می‌دادند. در خانه‌های اشرافی تر و محکم تر به جای کف حیاط، کف اتاق را می‌شکافتند. شیوه ساده تدفین پیچیدن مرده در کفن و خاک کردن آن ها بود. نوع تجملی تر این بود که مرده را در گلی ذخیره آذوقه جای می‌دادند و سپس در گودالی می‌گذاشتند. ظاهراً برای این کار از کندوهای لب پریده و گاهی هم شکسته هم استفاده می‌شده است. برای کودکان خردسال از تشت و لگن و خمره های گلی استفاده می‌شد (گیرشمن، ۱۳۸۸: صص ۱۶۵-۱۶۷).

مشهور ترین دفن مرده‌های هخامنشی مرتبط با شاهنشاهان سلسله هخامنشی است و جالب آنکه کتیبه‌هایی از آنها به جا مانده که خود را پرستشگر اهورامزدا معرفی می‌کنند. هنگامی که این کتیبه‌ها را با منابع یونانی بسنجیم - که در منابع یونانی نام زرتشت به صورت آشکار آمده است - به نظر می‌آید که پادشاهان هخامنشی زرتشتی بوده اند.

پس اگر فرض کنیم که کوروش بزرگ در ابتدا دفن شده است که برخی از منابع مانند کوروش نامه گزنفون هم در وصیت کوروش به آن اشاره می‌کنند (کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۲۵) منافاتی با مزدپرستی آن عصر نداشته چرا که به نظر می‌رسد در احکام اقوام گوناگون ایرانی در زمان هخامنشی که اتفاقاً زرتشتی بودند، چنین منعی نبوده و فراگیر شدن رسم دخمه به دوران پس از هخامنشیان مرتبط است.

سخن پایانی

از مجموعه شواهد موجود، این موضوع به دست می‌آید که **کوروش** با توجه به منش و رفتارش فردی یکتاپرست و به احتمال فراوان پیرو آیین **زرتشتی** بوده است. پرستش مردوک در میان ایرانیان جایگاه خاصی نداشته است و ارتباط باورهای دینی کوروش با مردوک بسیار بعید می‌نماید.

گفته‌هایی از طرف برخی گفته می‌شود که **کوروش** به دلیل حمایت از یهودیان، یهودی بوده است! اگر هم فرض کنیم که گفته آنها درست باشد آیا یهودی بودن در آن زمان گناه به حساب می‌آمده است؟ آیا باید از امثال حضرت

دانیال هم خرده گرفت که در آن عصر پیرو آیین یهودی بوده اند؟ به هر حال با توجه به شواهد و مدارک گوناگون، احترام به ادیان گوناگون در زمان هخامنشیان، از جمله احترام به دین یهودی، از سیاست‌های عصر هخامنشیان بوده است و یهودی بودن کوروش بسیار بعید به نظر می‌رسد.

کوروش بزرگ به عنوان محتمل‌ترین گزینه برای حضرت **ذوالقرنین (ع)** در قرآن مجید مطرح است (برای دانش بیشتر نگاه کنید به: **ذوالقرنین**) بنابراین به تأیید بسیاری از عالمان دینی، چنین شخصیتی که در کتب آسمانی از او یاد شده، فردی یکتاپرست و پیرو ادیان الهی بوده است.

البته ممکن است اطلاعات ما از آن زمان و کوروش کافی نباشد که این خود کار را دشوار می‌کند و نمی‌توان صددرصد به باورهای دقیق کوروش پی برد، کمالینکه چنین شرایطی برای دیگر اشخاص تاریخی وجود دارد، اما احتمالاً **کوروش** یکی از آیین‌های ایرانی را داشته و پرستنده **اهورامزدا** بوده است.

-خارج از مقاله- همچنین در مورد کوروش و منشور خالی از سود و فایده نیست اگر به قرآن کریم به آیه ۲ سوره مبارک عنکبوت رجوع کنیم جایی که پروردگار میفرماید:

احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون

آیا مردم گمان کرده اند به صرف اینکه بگویند ایمان آورده ایم رها می شوند و آزمایش نمی شوند؟!

از این آیه اینگونه میتوان نتیجه گرفت که انسان ها فقط به صرف انکه بگویند ایمان آوردیم یا نگویند مومن و کافر محاسبه نمیگردند بلکه اعمال انسان ها است که نشان دهنده واقعی ایمان و باور قلبی انانست.

در همین زمینه در تفسیر المیزان در تفسیر آیه ۲ سوره عنکبوت آمده است:

پس غرض سوره به طوری که از اول و آخرش و سیاق جاری در سراسرش استفاده می شود، این است که : غرض خدای تعالی از ایمان مردم تنها این نیست که به زبان بگویند ایمان آوردیم، بلکه غرض، حقیقت ایمان است، که تندباد فتنه ها آن را تکان نمی دهد، و دگرگونی حوادث، دگرگونش نمی سازد، بلکه هر چه فتنه ها بیشتر فشار بیاورد، پا بر جا و ریشه دارتر می گردد.

(نگاه کنید به: تفسیر آیات ۱۳۱ تا ۱۳۸ سوره عنکبوت)

پس بهتر است که ساده بینانه افراد را بر اساس گفتارشان قضاوت نکنیم.

بن مایه‌ها و یاری نامه‌ها: - خالقیان، مجید؛ پارسا، پوریا (۶ مرداد ۱۳۹۴). «دین کوروش بزرگ چه بود؟». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری: ۲) - <http://kheradgan.ir/?p=388> بهمن ۱۳۹۱). «آیت الله جوادی آملی: بت پرستی و الحاد در ایران قدیم وجود نداشت». پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران. - پیرنیا، حسن (۱۳۸۸). تاریخ ایران باستان. جلد ۱. تهران: سپهرادب. - بادامچی، حسین (۱۳۹۱). فرمان کورش بزرگ، تهران: نگاه معاصر. - خنجی، امیرحسین. «شاهنشاهی هخامنشیان، بخش کوروش بزرگ». تاریخ ایران. صص ۲۲۰-۲۵۵. - دریایی، تورج

(۱۳۹۳). کوروش بزرگ پادشاه باستانی ایران. ترجمه آذردخت جلیلیان. تهران: توس. - طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی. - گری، لویی (بهار و تابستان ۱۳۸۲). «هخامنشیان و دین زرتشت». رشد آموزش تاریخ. ترجمه حسین حیدری. ش ۱۲. - گیرشمن، رومن (۱۳۸۸). تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: سپهر اذب. - گزنفون (۱۳۸۹). زندگی کوروش. ترجمه ابوالحسن تهامی. تهران: نگاه. - مالوان، ماکس (۱۳۸۷). «کوروش بزرگ». در تاریخ ایران کمبریج. ج ۲، قسمت ۱. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب. - محمدپناه، بهنام (۱۳۸۴). اسرار تمدن مصر باستان. تهران: سبزان. - هرودوت (۱۳۸۹). تاریخ هرودوت. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: اساطیر. - Arrian of Nicomedia. "Alexander and the tomb of Cyrus". translate by Aubrey de Sélincourt. Livius.

- Boyce, Mary (1988). "The Religion of Cyrus the Great," in A. Kuhrt and H. Sancisi-Weerdenburg, eds., Achaemenid History III. Method and Theory, Leiden, pp. 15-31

- Dandamayev, Muhammad A (2011). "Cyrus II The Great". In Encyclopædia Iranica. Originally Published: December 15, 1993. Last Updated: November 10, 2011

متن برگرفته از سایت خردگان نوشته جناب مجید خالقیان

نگاه کنید به:

دین کوروش بزرگ چه بود؟

این متن در راستای سیاست جدید پارسیان دژ در این وبسایت قرار گرفته است.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «کوروش بزرگ بت پرست یا یکتا پرست؟؟؟»، پارسیان دژ، ۱۳۹۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1846/pdf/کوروش-بزرگ-بت-پرست-یکتا-پرست>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹